خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۲۸ اسفند ۱۳۹۵
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۳۰

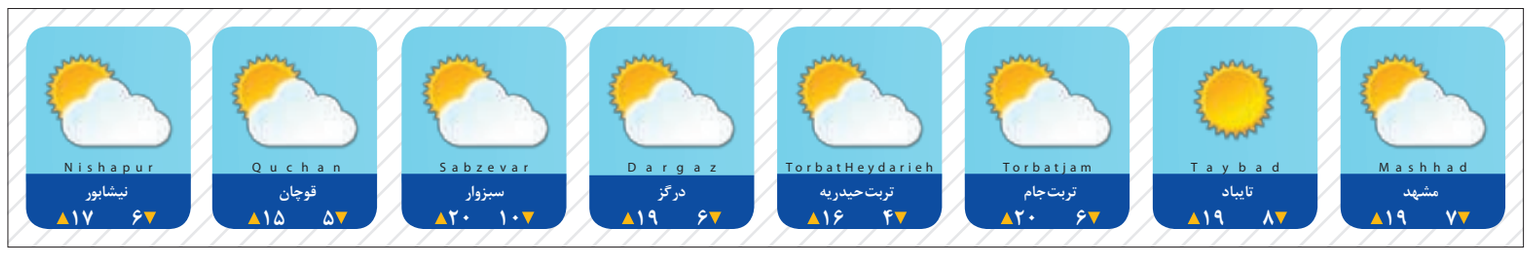

روزنامه خراسان
رتبه ۴ نشریات کشوری

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام سجاد (ع)

ای آن که یادش مایه شرافت و بزرگی یادکنندگان است و ای آن که سپاسگزاری‌اش موجب دست یافتن سپاسگزاران (بر نعمت‌ها) است و ای آن که فرمانبرداری‌اش سبب نجات فرمانبرداران است، بر محمد و آل او درود فرست و با یاد خود دل‌های ما را از هر یاد دیگری باز دار.

صحیفه سجادیه ص ۶۲، دعای ۱۱

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
ای آن که گردون رام تقدیر توست
ورقبه عالمیان مسخر تدبیر توست
و پر سرکشان بسته تو و جباران شکسته تو
و دوزخ زندان تو و فردوس بستان تو
و در آسمان‌ها سلطان تو و زمین به حکم و فرمان تو...

شاعران خراسانی

مولانا

خراسان به روایت خراسان

۲۸ اسفند ۱۳۵۵

جوانی که ۴ کلیه داشت مورد جراحی قرار گرفت

۴۰ سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت: احسان، جوان ۲۰ ساله‌ای که با داشتن چهار کلیه، راز شگرفی را در علم پزشکی گشود، تحت عمل جراحی قرار گرفت. وی که از ناحیه یکی از کلیه‌ها دچار درد شدیدی شده بود، پس از مراجعه به دکتر با تشخیص سنگ در یکی از چهار کلیه‌اش، برای انجام یک عمل جراحی بستری شد. عمل جراحی بر روی کلیه وی باعث شد تا پزشکان ۶ سنگ را از داخل آن بیرون آورند و البته آن‌ها اعلام کردند که نیازی به خروج کلیه از بدن وی ندیده‌اند.

احسان قبل از عمل اعلام کرده بود، حاضر است دو کلیه خود را به هر کس که احتیاج به کلیه داشته باشد، بدهد ولی بعد از عمل پزشکان اعلام کردند که نامبرده نمی‌تواند به هیچ‌وجه کلیه‌های خود را جدا سازد و به دیگری بدهد. به این ترتیب احسان که از یک درد کلیه به شدت رنج می‌برد، توانست متوجه شود که یک مرد استثنایی است.

● قیمت پشم کاهش یافت

بازار پشم به علت کاهش خرید کارخانه‌های نساجی و پشم‌ریسی ساکت شد و هم‌اکنون معاملات به ندرت صورت می‌گیرد. موجودی انبارها به ویژه در بندر بوشهر رو به افزایش گذارده است که با عرضه آن‌ها به بازار قیمت‌ها، باز هم تنزل خواهد کرد.

این امر ناشی از رکود خرید مستقیم کارخانه‌های نساجی از خارج و داخل است. رکود بازار پشم بر مظنه خامه نیز اثر گذاشته و نرخ‌ها را پایین آورده است؛ لیکن تجار در انتظار رونق بهاره بازار هستند و پیش‌بینی می‌کنند ظرف یکی دو ماه آینده مظنه‌ها رو به افزایش خواهد گذاشت.

● برق مهندس جوانی را کشت

یک مهندس جوان به نام امید بر اثر اصابت دستش به سیم برق فشار قوی در محل کارش دچار برق گرفتگی شد و سه چهارم بدنش به سختی سوخت. این مهندس جوان به بیمارستان منتقل گردید ولی معالجات در مورد وی موثر واقع نشد و نامبرده پس از چند ساعت بر اثر سوختگی شدید در گذشت.

● جوانی در مسافرخانه خودرا کشت

جوان ۱۷ ساله‌ای به نام محمد که چند روز قبل اتاقی در مسافرخانه‌ای واقع در خیابان طبرسی اجاره کرده و در آن سکونت گزیده بود، دو شب قبل به قصد خودکشی با خوردن مقداری تریاک که قبلا تهیه کرده بود، خود را مسموم کرد و به بستر رفت. صبح روز بعد که متصدی مسافرخانه از تاخیر در بیدار شدن مسافر مزبور نگران شده بود، به اتاق وی مراجعه کرد و چون از در زدن جواب نگرفت، ناچار وارد اتاق شد و این جوان را در حالتی وخیم و کاملا بیهوش روی تخت یافت. محمد به درمانگاه مسمومین بیمارستان مشهد منتقل شد ولی درمان پزشکان در مورد وی به جایی نرسید و جوان مزبور به علت مسمومیت شدید در گذشت.

پرونده مرگ این جوان و انگیزه وی از خودکشی در دست پیگیری مراجع مربوطه است.

قصه‌های ناتمام

سهیلی

یک نیم‌روز با زنانی که زندگی‌شان را وقف آن کرده‌اند تا جای خالی مادر را در دل برخی کودکان، پُر کنند

به جای مادر...

«لالایی ماه و مهتابه / لالایی مونس خوابه... لالایی قصه گل‌هاس / پُر از آفتاب پُر از آبه... آیینه ....شعر....خونه...» دارد زیر لب آهسته لالایی را زمزمه می‌کند. کم کم صدایش آن‌قدر آهسته و محو می‌شود که از میان زمزمه‌اش، فقط کلمات پراکنده‌ای را می‌شنوم. نشسته روی صندلی و مثل یک گهواره، نوزادی را که در آغوش دارد، تکان می‌دهد.

توی آن نور کم رنگ اتاق هر چند دقیقه یک بار از حرکت می‌ایستد و ساکت به چهره نوزادی که در بغل دارد، می‌نگرد. انگار نفس‌هایش را می‌شمارد. چند دقیقه بعد توی راهروی سفیدی که به خروجی این قرنطینه می‌رسد، اعتراف می‌کند که شب‌های زیادی را به امید معجزه‌ای گریسته است.

او یکی از ده‌ها «مادر» شاغل در این مرکز است که با نوزادان و کودکان داخل آن اتاق کوچک هیچ نسبتی ندارند اما با دردهایشان زندگی کرده‌اند.

این اتاق کوچک و آن کودکان بی‌قرار؛ تکرار قصه تلخ یتیمی و بی‌پناهی هستند، با این تفاوت که دردها و بیماری‌های گریبانگیر هر کدام از این نوزادان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، باعث شده تا ناگزیر از اقامت در قرنطینه باشند. تنها مرهم و دلخوشی آن‌ها، زنانی هستند که مادرانه از آن‌ها در این مرکز ویژه کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، مراقبت می‌کنند تا دوباره سلامتشان را بازیابند. به بهانه روز «مادر» با زنانی به گفت و گو نشستیم که زندگی‌شان را وقف آن کرده‌اند تا جای خالی مادر را برای کودکان یتیم و بدسرپرست پُر کنند.

● به اندازه فرزندانم، دوستشان دارم

بچه‌ها «مامان برخوردار» صدایش می‌کنند. حواسش به همه هست. برایم تندتند توضیح می‌دهد: هر کدام این بچه‌ها یک بیماری دارند؛ یکی تبخال، یکی سرماخوردگی، یکی... پسربچه‌ای وسط حرفش می‌پرد و می‌گوید: منم سوختم.

این را با لبخند اعلام می‌کند اما خانم برخوردار سر در گوشم می‌کند و توضیح می‌دهد: مورد کودک‌آزاری است، تنش را سوزانده‌اند.

پسرک را که اسمش نوید است در آغوش می‌کشد و نوازش می‌کند و می‌گوید: ۸ سال است که اینجا کار می‌کنم. خودم چهار فرزند دارم. بچه‌های این مرکز و قرنطینه را به اندازه فرزندانم دوست دارم. حتی شاید بیشتر.

زخم‌های تن نوید را نشانم می‌دهد و می‌افزاید: من آدم احساساتی هستم، هر بچه‌ای که می‌آورند، به نوعی وابسته‌اش می‌شوم. بچه‌ها هم قدر محبت را می‌دانند. مخصوصا این‌ها که کمتر طعم مهربانی را چشیده‌اند. چندوقت پیش کودکی را آورده بودند به نام علیرضا که اعضای بدنش کند حرکت می‌کردند، حسابی میانه‌مان خوب بود و بهم وابسته شده بودیم که منتقلش کردند. چندوقت بعد او را دیدم. فکر نمی‌کردم مرا بشناسد اما تا چشمش به من افتاد از دور فریاد زد: «مامان..مامان» و به طرفم دوید.

او تاکید دارد که بخش زیادی از دعاهایش برای این کودکان است و از طرفی به تاثیر دعای آن‌ها نیز اعتقاد ویژه‌ای دارد.

● زنی شبیه‌تر به مادر

یکی سیگار روشن می‌کند و خاکسترش را روی پوست «نوید» می‌تکاند. بچه ده‌ساله فریاد می‌زند و می‌گرید و مادرش را به کمک می‌خواهد اما از آن‌قدر نشئه است که اصلا یادش نمانده کودکش را هم همراه خودش پای بساط آورده است.

اما خیلی دورتر از آن بساط کثیف، یک مادر دیگر هست که روی زخم‌های نوید پماد می‌گذارد و آن‌ها را پانسمان می‌کند. شناسنامه این مادر و آن کودک ۱۰ ساله، آن‌ها را بهم نسبت نمی‌دهد اما برای حداقل «نوید» این زن خیلی شبیه‌تر به یک مادر است.

● مرحله سخت دل کندن

فکر کنید در یک سالن کوچک، ۲۵ نوزاد زیر سه ماه را به شما بسپارند. چیزی کم از یک ماموریت ناممکن نیست. هر چند دقیقه یک بار از یک تخت صدای گریه‌ای بلند می‌شود. یکی گرسنه است، یکی خودش را خیس کرده و آن یکی از درد بیماری ناله می‌کند. اما همه آن‌ها یک مامان مهربان دارند که تند و فرز، خواسته‌هایشان را اجابت می‌کند.

«مامان صدقی»، چهار سالی می‌شود که پرستار بخش نوزادان زیر سه ماه این مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست است. از او که تنها ۲۵ سال دارد، می‌پرسم: حالا اگر همه بچه‌ها با هم گریه کنند، چکار می‌کنی؟

پاسخ می‌دهد: آنقدر این مدت تجربه به دست آورده‌ام که سریع به همه‌شان می‌رسم.

می‌خواهم بدانم کدامشان را بیشتر دوست دارد، پاسخ‌اش کلیشه‌ایست: «همه را به یک اندازه.» اما بعد مکثی کرده و به نوزاد خوش خنده‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: این را یک کم بیشتر دوست دارم، چون خوش اخلاق‌تر است.

برایم تعریف می‌کند که روزهای نخستین کارش چه سخت دلبسته نوزادانی که می‌آوردند می‌شده و چه تلخ از آن‌ها دل می‌کنده است.

- تا حالا به این فکر کرده‌ای که یکی از این بچه‌ها را به سرپرستی بگیری؟

- منتظرم سی سالم شود تا این کار را انجام دهم

- حتی اگر ازدواج کنی؟

- فرقی نمی‌کند. البته آن موقع کمی شرایط سخت‌تر می‌شود ولی تا مجرد هستم تصمیم به این کار دارم.

از او می‌خواهم از خاطراتش بگوید. مکث می‌کند و ادامه می‌دهد: سال اول کارم، در میان بچه‌هایی که مسئول نگهداری‌شان بودم، دختری به نام اسماء بود. یک روز مشغول غذا دادن به او بودم، دیدم به پنجره اشاره می‌کند و با زبان کودکانه‌اش می‌گوید: مامان! مامان! من سر برگرداندم اما پشت پنجره کسی را ندیدم. اسماء زیر خنده و گفت: مامان نیست!

او می‌خندید اما من می‌گریستم با خودم فکر می‌کردم توی خیالش پشت آن پنجره چه حسرتی را می‌بیند. چند وقت بعد خوشبختانه زوجی او را به فرزندی قبول کردند و این بهترین خبر برایم بود.

● قصه تلخ سرنوشت و دعایی برای عاقبت بخیری

«خانم مرادی»، یکی دیگر از مامان‌های باسابقه این مرکز است. او ۴ سال سابقه کاری دارد. می‌گوید که همه این بچه‌ها را به اندازه دو پسرش دوست دارد.

البته تاکید می‌کند: هر چه هم که ما به این‌ها محبت کنیم باز هم جای محبت مادری را نمی‌گیرد. اصلا بچه‌ها تشنه آن توجه اختصاصی هستند. نگاه آن چشمانی که از دور هم مراقب و بی‌قرار آن‌هاست. این نیاز را نمی‌شود جایگزین کرد.

از او می‌پرسم: وقتی بچه‌ها می‌روند چه حسی داری؟

- من زیاد وابسته بچه‌ها نمی‌شوم چون می‌دانم برای خودشان سخت خواهد بود. وقتی می‌روند خوشحال می‌شوم. مثل این که بچه خودت را عروس یا داماد کنی.

او ادامه می‌دهد: من قبلا قسمت نوجوانان بودم، آن‌ها مشکلاتشان بیشتر است و مادری در آن قسمت سخت‌تر بود، اوج نیاز به توجه در آن سن است که متاسفانه از شان دریغ می‌شود.

خانم مرادی تاکید می‌کند: همه دعایم برای آن‌ها عاقبت بخیری است. خیلی از اتفاقاتی که در زندگی آن‌ها افتاده، انتخابشان نبوده و سخت است که این کودکان باید راهشان را در زندگی با حمایتی اندک و اغلب به تنهایی پیدا کنند. آنچه از دست ما برمی‌آید، محبت است و دعا.

خبر روز

آرامگاه فردوسی میزبان افتتاحیه جشن‌های «نوروزگاه»

افتتاحیه رویداد فرهنگی نوروزگاه خراسان رضوی در مجموعه فرهنگی و تاریخی آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی پایگاه میراث فرهنگی توس، احسان زهره‌وندی؛ مدیر این پایگاه درباره جزئیات این مراسم گفت: رویداد فرهنگی نوروزگاه، دوم فروردین ۹۶ از آرامگاه فردوسی آغاز می‌شود و این جشن آیینی تا ۱۴ فروردین ماه در سراسر استان ادامه خواهد داشت. وی با بیان این که نوروز ۹۶، نوروزی متفاوت در آرامگاه فردوسی است، افزود: مراسم افتتاحیه نوروزگاه در آرامگاه فردوسی شامل برنامه‌های شاهنامه‌خوانی و نقالی، جشنواره‌های صنایع دستی، مشاغل خانگی، بازی‌های بومی و محلی، غذاهای سنتی، سیاه چادر، لباس‌های سنتی، اجرای موسیقی سنتی و برنامه‌های آیینی و ورزش‌های باستانی است.

وی با اشاره به مشارکت گسترده شهرداری منطقه ۱۲ مشهد در این رویداد فرهنگی، گفت: مهم‌ترین هدف از اجرای برنامه نوروزگاه توجه جدی به جامعه محلی و بومی شهر مشهد و به خصوص شهر تاریخی توس است. زهره‌وندی تصریح کرد: این برنامه شامل بزرگداشت سنت‌ها و آیین‌های خراسان رضوی و منطقه توس خواهد بود. علاقه‌مندان و گردشگران می‌توانند از ساعت ۹ از مجموعه فرهنگی و تاریخی توس بازدید کنند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

برزو ارجمند با انتشار این عکس در آستانه سال نو، یاد پدر مرحومش انوشیروان ارجمند هنرمند پیشکسوت سینما و تلویزیون را گرامی داشت.

خروج توده حجیم با قطر ۵۰ در ۵۰ سانتی متر از شکم خانم ۵۳ ساله در مرکز آموزشی درمانی شهید دان مبینی سبزوار

تصویری از سرباز و مامور نیروی انتظامی که در چهارشنبه سوری مصدوم شدند

یادداشت

کاپیتان علی کیوان

استاد خلبان هواپیمایی کشوری و مدرس دانشگاه

ایمنی در پرواز، یا آسایش مسافران! کدام اولویت است؟

طی هفته‌های گذشته خبرهایی بر خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت که از برخورد قضایی با مسئولان مختلف درباره توقیف غیرقانونی مسافران در سه پرواز ماهان، معراج و آتا حکایت داشت. از آنجا که درباره اوضاع و شرایط برفی آن ایام در فرودگاه مشهد، اخبار و اطلاعات متفاوت و گاه متناقضی در رسانه‌ها منتشر می‌شود، لازم به نظر می‌رسید که در این باره توضیحاتی ارائه شود. هواپیما وسیله‌ای است که پرواز آن در آسمان به نیروهای آیرودینامیکی وابسته است. وجود یخ و برف انباشته روی هواپیما می‌تواند باعث ایجاد اختلال در تولید نیروهای حیاتی برای کنترل و هدایت هواپیما و در نتیجه بروز سانحه شود. همچنین یخ‌زدگی نیز ممکن است مانع از حرکت هواپیما شود و یا ممکن است میزان آن را با محدودیت مواجه کند. در این صورت خلبان قادر نخواهد بود در زمان لازم واکنش مناسبی از خود نشان دهد. یخ و برف انباشته نه تنها بر هواپیما تاثیر نامطلوبی دارد، بلکه تجمع آن در سطح فرودگاه و باندهای فرود نیز می‌تواند در دسرساز باشد. از این رو سازمان‌های متولی امر نظارت بر ایمنی حمل و نقل هوایی، انبوهی از قوانین و مقررات سخت‌گیرانه را برای یخ‌زدایی کامل هواپیما قبل از عزیمت در فصول سرد سال تدارک دیده‌اند. در خور ذکر است، یخ‌زدایی فقط در شرایطی ممکن است که هواپیما، بار و مسافر خود را سوار کرده و آماده پرواز باشد. در جریان بارندگی و برف اخیر فرودگاه مشهد در روزهای جمعه و شنبه ۲۹ و ۳۰ بهمن سال جاری، مدیریت و پرسنل فرودگاه از لحظات اولیه بارش تمام تلاش و همت خود را به کار بستند تا سطوح پروازی را باز نگه دارند و کمک کنند پروازهای ورودی و خروجی طبق برنامه انجام شود. اما این فعالیت با نزدیک شدن به ساعات نیمه شب و سنگین‌تر شدن نزولات آسمانی، دشوار شد. به‌طوری که در ساعت ۲۰ روز جمعه فرودگاه بسته اعلام و تمامی پروازهای ورودی و خروجی کنسل شد. تعطیلی تا صبح روز بعد ادامه داشت و پرسنل ایمنی زمینی فرودگاه، در نخستین ساعات روز بعد دوباره عملیات برف‌روبی را در سطوح پروازی آغاز کردند. در این بین به خاطر تعطیلی ۱۲ ساعته، حجم زیادی از مسافران، در فرودگاه تجمع کرده و تعداد زیادی از پروازهایی که با تاخیر چندین ساعته روبه‌رو شده بودند، در حال آماده شدن برای انجام پروازی ایمن بودند. لذا شرکت‌های هواپیمایی که با بسته شدن فرودگاه در شب گذشته از برنامه پروازی خود عقب مانده و تعداد زیادی از پروازهای خود را در دیگر مقاصد به دلیل زمینگیر شدن هواپیمای خود در مشهد از دست داده بودند، به تکاپو افتاده بودند و تلاش می‌کردند هر یک سریع‌تر مسافرگیری، بارگیری و پرواز کنند. اما از آنجا که اغلب قریب به اتفاق شرکت‌های هواپیمایی در ایستگاه مشهد دارای تجهیزات یخ‌زدایی از هواپیما نبوده، بر اساس قرارداد منعقده قبلی، این سرویس را از شرکت‌های هندلینگ و پشتیبانی مستقر در فرودگاه مشهد طلب کردند. نتیجه این امر، صفی طولانی از هواپیماهای لبریز از مسافر شد. مسافرانی که ساعت‌های متمادی در فرودگاه مشهد انتظار پرواز را می‌کشیدند و حال در هواپیما در انتظار یخ‌زدایی بودند. همانطور که توضیح داده شد، در زمان یخ‌زدایی حتماً باید مسافران در هواپیما حضور داشته باشند و فقط پس از بسته شدن درها و جدا شدن پلکان و دیگر تجهیزات زمینی از هواپیما، آن هم با موتورهای روشن و در مکانی در نزدیکی باندی که برای پروازهای خروجی در نظر گرفته شده است، عملیات یخ‌زدایی قابل انجام است. عملیات یخ‌زدایی زمان‌بر است، از طرفی در چنین روزها و شرایطی، گاه ۱۰ تا ۱۵ هواپیما با مسافرانشان در صف انتظار برای یخ‌زدایی قرار می‌گیرند که این خود بر میزان معطلی مسافران می‌افزاید. به بیان بهتر، مجموع این زمان‌ها برابر است با ساعت‌ها معطلی در هواپیمای در بسته و انتظاری بسیار خسته‌کننده. به‌ویژه آن که در موارد مذکور، اکثر مسافران پروازهای اشاره شده، شب قبل را نیز در فرودگاه به صبح رسانده بودند و دیگر واقعاً توانی برای تحمل این تاخیر ناگزیر نداشتند. این وسط اتفاق بد، بی‌تدبیری برخی ایرلاین‌ها بود که شنیده شده است حتی آب خوردن کافی در هواپیما نداشته‌اند. حال بگذریم از این که تمامی این ایرلاین‌ها موظف بوده‌اند بر اساس مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مسافران خود را شب قبل به هتلی منتقل و در آنجا از ایشان پذیرایی کنند؛ که متاسفانه این کار را نکرده‌اند. مجموع این عوامل سبب شد که برخی مسافران برای انصراف از پرواز ابراز تمایل کنند و تصمیم به ترک هواپیما بگیرند. اجابت این خواسته یعنی خروج از صف یخ‌زدایی، بازگشت به پارکینگ، درخواست مجدد پله و تجهیزات زمینی، خروج مسافر و مخصوصاً بار ایشان از هواپیما و ده‌ها مسئله دیگر؛ یعنی تاخیر و هزینه بیشتر و بیشتر برای شرکت هواپیمایی و دیگر مسافران حاضر در پرواز. در چنین شرایطی ممکن است، خلبان پرواز که بر اساس قوانین و مقررات بین‌المللی، خصوصاً ضمیمه دو پیمان شیکاگو، تمامی مسئولیت و اختیارات پرواز از حیث ایمنی به او محول شده است، دلیل قانع‌کننده‌ای برای اجابت این درخواست نبیند و با این تقاضای مسافران موافقت نکند. در این صورت خلبان و دیگر کارکنان موظفند با ارائه دلایل قانع‌کننده مسافر را مجاب کنند از تصمیم خود صرف‌نظر کند. ملاحظه می‌فرمایید که شرایط پیچیده و بحرانی در روزهای مذکور بر فرودگاه مشهد حاکم بوده است. در این شرایط مدیریت و کارکنان فرودگاه مشهد و البته خلبانان و دیگر پرسنل شرکت‌های هواپیمایی تمام تلاش خود را به کار برده‌اند تا در بدترین شرایط آب و هوایی، ایمن‌ترین پروازها را داشته باشیم. به نظر نگارنده این جای تقدیر دارد نه توبیخ. البته هدف انتقاد و اعتراض به نظر قضایی دادگاه و دادستان محترم نیست، بلکه نیت طرح تقاضایی است. نگارنده به عنوان عضوی از جامعه هوانوردی کشور از سیستم قضایی می‌خواهد که در این جریان بار أفت اسلامی به قضیه بنگرد و از جایگاه قضایی خود برای مجاب کردن سازمان هواپیمایی کشوری که ذاتاً متولی امر سیاستگذاری و نظارت بر امور هوانوردی در کشور هستند، به جهت بررسی و ارائه گزارشی مدون و همه‌جانبه در خصوص نواقص احتمالی در سیستم مدیریت کیفیت و دیگر خدمات مرتبط در شرایط بحرانی استفاده کند.